



# کارگران جهان متحد شوید !



خرداد ۱۴۰۱ // شماره ۵ - ۲۰۶

ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

کار ، مسکن ، آزادی

- ◀ مطالبات معلمان زحمتکش را نمیتوان با چوب و چماق و زندان و گلوله پاسخ داد
- ◀ پیروزی کاندیدای چپ "پترو" در انتخابات ریاست جمهوری کلمبیا
- ◀ ائتلاف چپ، تنها راه رهایی
- ◀ اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در همبستگی با آبادان و خیزش سراسری
- ◀ به یاد شاعر انقلابی سعید سلطانپور
- ◀ تسلیت بمناسبت درگذشت عارف-علی پاینده

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی !



# مطالبات معلمان زحمتکش را نمیتوان با چوب و چماق و زندان و گلوله پاسخ داد

به این اعتراضات بشوند. بلکه آنها را راسخ تر و مطمئن تر می کند. اما نتیجه چنین سیاستهای ضد مردمی بویژه در شرایط فشار اقتصادی، سیاسی، معیشتی و ناتوانی نظام حاکم در پاسخگویی به خواست ها و مطالبات معلمان، جز افزایش خشم و نفرت زحمتکشان و بیشتر سیاسی شدن اعتراضات اقتصادی و معیشتی نتیجه دیگری دربر نخواهد داشت.

مطالبات توده های زحمتکش مردم را که تولید کنندگان اصلی نعم مادی و تامین آموزش و معیشت جامعه اند را نمیتوان با چوب و چماق و زندان و گلوله پاسخ داد.

در همین رابطه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه ای بدرستی اعلام کرد که "نیروهای امنیتی در اداره اطلاعات، اطلاعات سپاه، پلیس امنیت، با چراغ سبز قوه قضاییه، تعداد دیگری از بهترین معلمان ایران را بازداشت کرده اند. این گونه رفتارها نه تنها به جنبش معلمان آسیب نخواهد زد و هیچ خللی بر اراده ی معلمان در راه رسیدن به خواسته هایشان ایجاد نخواهد کرد؛

واقعیت این است که امروزه در نتیجه تشدید بحران اقتصادی تورم و گرانی مایحتاج اولیه و سطح پائین حقوق و دستمزدها که پرداخت آن اغلب ماه ها به عقب می افتد و گسترش فساد اداری، رانت خواری و اختلاس و انبوهی دیگر از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی باعث شده تا اعتراضات در زیر شدیدترین برخورد امنیتی و حضور نیروهای سرکوبگر در خیابانها ادامه یابد و هرگاه این جنبش های اجتماعی گسترده اما پراکنده بتوانند در زیرچتر جبهه ای انقلابی متحد شوند بدون تردید توازن قوا به ضرر نظام ارتجاعی حاکم تغییر خواهد کرد و جو بیارهای اعتراضات و اعتصابات و تجمعات توده های زحمتکش مردم بهم خواهند پیوست و همچون سیلی خشمگین بنیادهای ارتجاع حاکم را از بیخ و بن کنده و به زباله دانی تاریخ خواهد افکند.

۲۹ خرداد ۱۴۰۱ خ - عمواوغلی

بدنبال گسترش اعتراضات معلمان در شهرهای مختلف کشور رژیم جمهوری اسلامی مثل همیشه بجای پاسخ به مطالبات برحق معترضین دست به سرکوب و دستگیری های گسترده ای زده است تا بلکه بتواند موج هر دم فزاینده اعتراضات معلمان را مهار و فرو بنشانند.

در پی یورش نیروهای امنیتی به منازل و محل کار آموزگاران و معلمان فعال بیش از یکصد تن از آنان را بازداشت و رانه زندانها کرده اند و این بازداشت های گروهی نشان میدهد که برغم قلت معلمان معترض نسبت به کل معلمان سراسر کشور اما خطر گسترش اعتراضات و پشتیبانی سایر زحمتکشان از خواست ها و مطالبات آنها که از دل زندگی مشقت بار و نیازهای اولیه این قشر زحمتکش برمیخیزد، رژیم را واداشته است تا به هر قیمتی شده از تداوم اعتراضات جاری معلمان جلوگیری نکند و یا حداقل مانع پیوستن انبوهی دیگر از معلمان



## رویداد تاریخی در کلمبیا برای اولین بار در تاریخ کلمبیا: پیروزی کاندیدای چپ "پترو" در انتخابات ریاست جمهوری این کشور

که اعتراضات سال ۲۰۲۱ را هدایت کرده بودند.

اضافه بر این موضوع حمایت بزرگ و گسترده ای نیز برای پیروزی پترو از طرف مجامع آفریقایی - کلمبیایی الاصل شکل گرفت. این بخش از جامعه بخصوص خود را به حکومت جدید بسیار نزدیک و شریک میداند چرا که نماینده آنها، فرانسیسکا مارکز که خود سالهاست فعالیت دفاع از محیط زیست را پیش میبرد و بزرگ شده یکی از مناطق فقیر نشین "کاوکا" میباشد، در دولت جدید "پیمان تاریخی" بعنوان اولین زن سیاهپوست نیابت ریاست جمهوری را بعهده خواهد داشت. در شب پیروزی انتخابات، مارکز که همطراز با سمت نیابت ریاست جمهوری، پست وزارت مساوات و برابری را نیز بعهده خواهد داشت، اعلام نمود که با تصمیم قاطع برای صلح، تثبیت حقوق اجتماعی و جامعه ای برابر تلاش خواهد نمود.

پترو مخصوصا موفقیت چشمگیری را در کسب آراء در مناطقی بدست آورد که مشکلات وسیع اجتماعی، فقر فراوان، آمار جنائی بالا در این مناطق، مسائل روزمره میباشد. طوری که کاندیداهای "پیمان تاریخی" در منطقه "چوکو" ۸۲ در صد آراء را بدست آوردند. همچنین در منطقه "کاوکو" ۷۹ در صد آراء نصیب "پیمان تاریخی" شد. در طی پروسه مبارزات انتخاباتی از طریق رسانه های مجازی ویدئوهایی پخش شد که مردم بومی مناطق کلمبیا و مردم آفریقایی - کلمبیایی الاصل را نشان میداد که چگونه دو روز متوالی با قایقهای خود در مناطق مختلف بطرف

" از امروز به بعد کلمبیا تغییر خواهد کرد"، گفته هایی بود که پترو در مراسم شب پیروزی در روز یکشنبه بیان کرده است. " این تحول به این معنی نیست که ما را به جایی برساند که دست به انتقام بزنیم." در دوره مراحل مبارزات انتخاباتی، نیروهای راست تلاش کردند در میان توده ها ترس و وحشت را در صورت پیروزی پترو، در افکار عمومی گسترش دهند. طوری که با تبلیغات گسترده، تصویری چون "کمونستهای ضد دمکرات" را از "پیمان تاریخی" در افکار عمومی جایگزین کنند و با تأکید اینکه پترو عضو سابق چریکهای "م - ۱۹" بوده، وی را در مجامع عمومی منفی جلوه دهند. در مقابل، پترو با حمایت سوسیال دمکراتهای چپ در منطقه خواهان افزایش وسیع مالیات برای شرکتهای گول پیکر و حمایت هر چه بیشتر در دفاع محیط زیست بوده.

رئیس جمهور جدید کلمبیا آگاه به این مسئله هست که پیروزی خود را مدیون چه کسانی ست. در آغاز سخنرانی خود در میتینگ روز پیروزی خواهان آزادی فوری تمامی جوانان معترض دستگیر شده، که در طی اعتراضات سراسری ماههای گذشته در زندان بسر می برند، شد. در سال ۲۰۲۱ در طی ماههای طولانی صدها هزار نفر در مناطق مختلف کشور بر علیه نابرابری های اجتماعی و سیاستهای سرکوبگرانه حکومت به خیابانها ریختند و اعتراضات گسترده ای را شکل دادند. طبق آمار رسمی و آماردر دست داشته رقم چشم گیر و قابل توجه آراء کسب شده برای پترو از طرف زنان و طیف جوانان بوده است

در تاریخ امریکای لاتین برای اولین بار در انتخابات ریاست جمهوری در کلمبیا به تاریخ یکشنبه ۱۹ ژوئن، کاندیدای چپ به پیروزی رسید. سناتور مجلس و استاندار سابق بوگوتا (پایتخت کلمبیا)، گوستاو پترو در روز یکشنبه در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری توانست اکثریت آراء را بدست آورد. در این انتخابات ۵۰،۴۴

در صد آراء مردم به نفع پترو کاندیدای اتحاد "پیمان تاریخی" به صندوقهای رأی ریخته شد. رقیب گوستاو پترو، هرناندز که بعنوان یک کاندیدای "بدون حزب" در انتخابات شرکت کرده بود، آرائی به رقم ۳۱،۴۷ درصد را نصیب خود کرد. وی ۷۰۰۰۰۰ رأی کمتر از کاندیدای چپ را بدست آورد. پترو توانست در واقع بیشتر از ۱۱ میلیون رأی را کسب کند، آماري که هیچ ریاست جمهوری در تاریخ کلمبیا تاکنون بدست نیاورده است.

ساعتی بعد از انتخاب شدن پترو هزاران نفر در شهرهای مختلف پیروزی وی را جشن گرفتند. در دور اول انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۲۹ ماه مه، پترو توانست بیش از ۴۰ درصد آراء را بدست آورد. در دور اول انتخابات تمامی نیروهای راست، دست به فراخوان حمایت از هرناندز زدند و از این طریق با کسب آراء ۲۸ درصد، وی توانست به دور دوم انتخابات راه یابد. ساعتی بعد از پیروزی پترو، هرناندز میلیاردی شرکتها ساختمانی که خود را بعنوان فردی که "مبارزه با رشوه خواری" را در دستور کار خود قرار میدهد، شکست خود را پذیرفت و به پترو بخاطر پیروزی تبریک گفت.

نظامی و طراحی و اجرای انواع کودتاهای مختلف در این کشور توانسته اند جلوی هر گونه توطئه امپریالیست و نیروهای دست نشانده آنها را بگیرند. در کلمبیا این موضوع یعنی سازماندهی توده ها برای امروز و فردای این کشور مراحل سخت و دشواری را پیش روی خود دارد. چرا که اولین باری ست که در تاریخ کلمبیا یک نیروی چپ توانسته است قدرت سیاسی را بدست آورد. اما قدرت نظامی این کشور در دست کیست؟ ارتش کلمبیا و باندهای سیاه ترور وابسته به حکومت قبلی و حکومت‌های سابق در این کشور همچنان پایه های محکمی را در ارگانهای حکومتی و پلیسی در دست دارند. چگونگی قطع نفوذ ارتش و پلیس سرکوبگر در کلمبیا بدست حکومت جدید "پیمان تاریخی" ست. یکی از راههای این قطع نفوذ، تقویت و گسترش وسیع مجامع توده ای، شرکت داشتن و سازمانیابی کارگران، زنان، جوانان و مردم زحمتکش در تشکلهای مستقل و انقلابی است. ما نیروهای متحد وفادار به آرمانهای سوسیالیستی در کلمبیا و دیگر نقاط امریکای جنوبی را حمایت میکنیم و وظیفه ای را که در این مورد بر دوش خود احساس میکنیم این است که از هر گونه تحلیل‌های قدیمی که بر اساس عمومی گویی های گذشته و نه بر اساس واقعیات پیش روی داشته، بنیاد نهاده شده است، پرهیز میکنیم. ما همچنان از حرکتها و جنبشهای مستقل اجتماعی که زلزله سیاسی را موجب میشوند و تحول و دگرگونی را سبب میگردند و پایه و اساس سوسیالیسم را در خود نهفته اند، حمایت میکنیم. پیروزی جنبشها و اعتراضات مردمی بر علیه دیکتاتورهای سرمایه داری و سرکوبگر تنها از طریق تشکیل صفی متحد و اتحاد نیروهای انقلابی و سوسیالیستی میسر است.

اول جولای ۲۰۲۲

**تهیه گزارش: بخش انترناسیونال  
سازمان اتحاد فدائیان کمونیست**

گسترش این اتحاد و پایه ریزی شرکت و نقش وسیع کارگران و زحمتکشان، تقویت تشکلهای نیروهای آگاه و مستقل در جامعه در جهت دست گرفتن تعیین سرنوشت خود، هیچ امپریالیستی را اجازه به دخالت در امور خود نخواهد داد. ما انقلابی را که در ژانویه ۱۹۵۹ در کوبا رخ داد پیش روی خود داریم. بیش از ۶۳ سال از قدمت و رهایی و مبارزه استقلال طلبانه این کشور از یوغ امپریالیسم امریکا میگذرد، کوبایی که همچون کلمبیای امروز در آن زمان پایگاه و مستعمره همسایه شمالی بود. اما چونکه ما شاهد قیام سراسری و انقلاب در کلمبیا نیستیم بایستی راه سنگین و دشواری را، اما امکانپذیر به سوی رهایی و پایه ریزی بنیادی سوسیالیستی را در کلمبیا حمایت کنیم. ما چنین انقلاب دگرگون آمیزی را که در کوبا در سال ۱۹۵۹ شکل گرفت امروز در بولیوی، ونزوئلا و هم اکنون در کلمبیا نمی بینیم. اما ما خوشنودی و وفاداری خود را نسبت به پیروزی نیروهای چپ انقلابی و سوسیالیستی کلمبیا و کشورهای منطقه ابراز میکنیم و خواهان تغییرات و دگرگونی های اساسی بر علیه دیکتاتوری سرمایه در این کشورها هستیم. بهمین خاطر ضروری ست با اتحاد و متحد شدن نیروهای پیشرو، نیروهای انقلابی و وفادار به آرمانهای سوسیالیستی پایه های یک اتحاد اجتماعی - سیاسی بر علیه فرمهای مختلف حاکمیت های سرسپرده و رنگ های مختلف ثولیبالیسم در کلمبیا شکل بگیرد. نطفه های این اتحاد در این کشور جای گرفته است. در بولیوی در پیروزی مجدد "اتحاد سوسیالیستی" در سال ۲۰۲۱ بعد از کودتای اواخر سال ۲۰۲۰ که توسط مبارزه مردم به شکست کشانده شد، هم اکنون مدتهاست شاهد گسترش و استحکام مجامع و تشکلهای اجتماعی هستیم که نقش و نیروی توده ها و زحمتکشان و کارگران و تشکلهای محلات را افزایش میدهد. در ونزوئلا با وجود سیاستهای خطاآور "مادورو" رئیس جمهور این کشور تشکلهای مجامع و هسته های مستقل محلات و کارخانه ها در تمامی نقاط کشور و بخصوص در کاراکاس، با وجود تحرکها و تحریکهای

صندوقهای رأی در حرکت بودند.

تحولات در امریکای لاتین در تحلیل هایی که قابل ذکر هستند، ضرورت درنگ و بررسی آن بسیار مورد اهمیت است. بزرگترین پایگاه نظامی امریکا در تمامی قاره امریکای جنوبی در کلمبیا قرار گرفته. کمکهای آشکار و پیمانهای نظامی ناتو با این کشور در طی سالهای گذشته و تا به امروز (دیدارهای مقامهای ناتو در طی ماههای اخیر در بوگوتا) مواردی ست که این کشور را تاکنون از استقلال سیاسی بدور گذاشته و تسلط نظامی امریکای شمالی را بر این کشور دیکته میکند. برای همه افکار عمومی چه در کلمبیا و چه در سراسر دنیا این موضوع روشن است که امپریالیسم امریکا و همپیمانان آن به راحتی خواهان چشم پوشی از این امکانات نظامی و استراتژیک خود در این کشور و در این منطقه نیستند.

اما امکانات و راههایی وجود دارند که نیروهای چپ انقلابی که در ارتباط تنگاتنگ با توده های زحمتکش کلمبیا هستند، خود را از این زنجیر اسارت و وابستگی رهایی بخشند. موردی که بدون هیچ تردید در صورت رهایی کلمبیا سازماندهی کودتاهای متعدد از طرف امریکای شمالی و حتی اشغال نظامی این کشور که همچنان از قبل برنامه ریزی شده است را نبایستی فراموش کرد. اما راه چاره مردم زحمتکش کلمبیا، نیروهای چپ و انقلابی در چنین شرایطی نه تنها در حال حاضر بلکه در آینده چیست؟ راه حل‌هایی که نه تنها در مقابل خود، نیروی امپریالیسم را جلوی روی دارد بلکه نیروهای دست راستی و ثولیبالیسم سرسپرده امریکای شمالی را نیز سد مقابل خود قرار دارد.

نکته مثبت پیروزی پترو حمایت میلیونها قشر زحمتکش و کارگر، نیروهای جوان و زنان است که از برنامه وی حمایت میکنند. اعتقاد به توده های مردم، به زحمتکشان به نیروها و مجامع و تشکلهای کارگری و جنبشهای مردمی و نیروهای بومی، سرمایه گرانهایی ست که نه تنها پترو بلکه اتحاد "پیمان تاریخی" بایستی به گسترش و تقویت آن پردازد. در صورت

"ستاره سرخ"

## ائتلافِ چپ، تنها راهِ رهایی

چپ و نیز مشکلات بسیاری که در رژیم آخوندی موجود تجربه کرده اند فکر میکنند تنها راه رهایی بازگشت پهلوی هاست و با آمدن فرزند شاهنشاه، بهشت موعود را روی زمین را تجربه خواهند کرد! شعارهای رضا شاه روح شاد این جریان ارتجاعی را به خوبی نشان میدهد. اما وظیفه ی مبرم و از هر چیز اساسی تر ما و تمام نیروهای چپ مترقی آن است در این شرایط با آگاه سازی توده ها، روشن کردن حقایق تاریخی و نیز تشکیل صفوف گسترده ی انقلابی پیشتازان این جنبش مردمی و هر جنبش، اعتراض و اعتصابی برای رهایی از دیکتاتوری موجود باشیم.

اما این مهم به دلیل پراکنده بودن احزاب و سازمانهای چپ ایران به تنهایی و به سادگی ممکن نیست و به نظر ائتلاف، همکاری و نزدیک شدن هر چه بیشتر جنبشهای چپ تنها راهیست که میتواند منجر به مقابله با خرده بورژوازی به اصطلاح برانداز و نیز آگاه سازی توده های زحمتکش اما گمراه جامعه شود. وقت آن است بار دیگر فعالیتهای انقلابی را افزایش دهیم و جامعه را در فضای انقلابی نگه داریم، وقت آن است از حداکثر امکانات بهره ببریم، از شب نامه و شعار نویسی مشخص و هدف دار تا فعالیت مجازی حداکثری برای مقابله با دیکتاتورهای سابق و کنونی! حالا زمانش رسیده در عمل نشان دهیم آنچه اهمیت دارد سوسیالیسم و جامعه ای عدالت محور است نه اشخاص و گروه ها. اختلافات جزئی و اندک تفاوتهای ایدئولوژی را برای آینده ای دیگر بگذاریم و نگذاریم توده های زحمتکش و فرودست جامعه فرصت طلایی رهایی از چنگ دیکتاتوری ظلم و زور را به خاطر غرور ما از دست بدهد. فعالیتهای شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست را افزایش دهیم و نیز احزاب و افراد جدید را بپذیرا باشیم و در کف جامعه، دانشگاه، کارخانه ها و هر مکانی افراد جدید را به آرمانمان و راهمان آگاه و دعوت کنیم. از اعتراضات و اعتصابات حمایت کنیم و در هر دو جبهه ی تئوریک و پراتیک به مبارزه با دیکتاتوری بورژوازی از هر نوع و شکلش بپردازیم...

زنده باد ائتلاف نیروهای مترقی چپ  
زنده باد اعتصاب کارگران و زحمتکشان  
زنده باد انقلاب گرسنگان

این کالاها را به همان قیمت سابقش تهیه کنند! اما خیزش شبانه ی چند شهر کشور مهمترین و ترسناک ترین خبر برای رژیم بود و سبب شد بار دیگر شاهد جو شدید امنیتی-پلیسی باشیم و باز هم با قطعی، کندی شدید و اختلال در اینترنت و آنتن دهی مواجه شویم. صدا و سیما هم کما فی السابق با سانسوری گسترده همه چیز را عادی و کشور را گل و بلبل نشان داد.

اما با این همه تقریباً همه ی مردم میدانند وضعیت کشور اصلاً خوب نیست، زندانی کردن معلمان و فرهنگیان، سانسور شدید مطبوعات و رسانه ها، زن ستیزی، برخورد شدید و کشتار زحمتکشان از جمله کولبران و سوخت بران، جو امنیتی در دانشگاه ها و برخورد شدید و حبس طولانی برای دانشجویان، گرانی های افسار گسیخته، تورم شدید، بیکاری گسترده، هزینه های سرسام آور درمان، افزایش بی سابقه ی فاصله ی طبقاتی، آمار بالای فساد و فحشا، رشوه خواری مسئولان و بسیاری معضلات دیگر همه و همه باعث چیزی میشود که لنین و بعدها رفیق بیژن جزنی از آن به عنوان شرایط انقلابی یاد کردند. شرایط انقلابی همان چیزی است که منجر به تغییر اساسی، سرنگونی یا همان انقلاب میشود، زمان دقیقش را نمیتوان مشخص کرد اما اگر جامعه را به انبار باروتی تشبیه کنیم که با هر یک از معضلات اتفاق افتاده هربار پر تر میشود در نهایت به جایی خواهد رسید که دیگر جایی نخواهد داشت و در نهایت با جرعه ای منجر به انفجاری بزرگ خواهد شد. نکته ی اساسی و فوق العاده مهمی که نباید فراموش کنیم این است که از همین حالا باید به فکر باشیم تا بار دیگر همچون انقلاب ۵۷، مسیر انقلاب به کژراهه نرود و به اصطلاح نگذاریم. عده ای خاص انقلاب را مال خود کرده و بدزدند! هرچند در بسیاری از موارد، فیلمهای پخش شده از اعتراضات و قیام مردم در رسانه های به اصطلاح اپوزیسیون صداگذاری شده یا گزینشی اند، اما باید پذیرفت هنوز بسیاری از مردم به سبب تبلیغات ۲۴ ساعته ی شبکه های ماهواره ای سلطنت طلب، تربیون جدی نداشتن

بار دیگر اقدامی ضد مردمی توسط رژیم منجر به اعتراض توده های مردم در کشور شد. ولی اینبار دولت بر خلاف دولت قبل، پیش از اقدام به گرانی مبالغی ناچیز میان مردم توزیع کرد تا مثلاً از قیام آنها جلوگیری کند. اما افزایش نجومی و سرسام آور قیمتها که تنها کمتر از ۴۸ ساعت پس از این تصمیم اعمال شد، همانطور که پیش بینی میشد صدای اعتراض توده ها را برانگیخت. باید گفت اساس توزیع یارانه ها به این شکل سراپا اشکال است و قطعاً باید دهک بندی جامعه بسیار دقیقتر انجام شود تا طبقات زیرین جامعه به مراتب از سوسید و حمایتهای بیشتری برخوردار شوند، در این روش احمقانه دولت به سه دهک پایین، هر نفر چهارصد هزار تومان و به شش دهک بعدی هر نفر سیصد هزار تومان یارانه پرداخت کرده و مبلغی به دهک آخر که مرفه ترین قشر کشور است داده نشده، یعنی تفاوت پرداخت یارانه به پایین ترین و محرومترین طبقه ی کشور تا دهک دوم که از مرفه ترین اقشار جامعه است تنها صد هزار تومان است!

اما از فرمول غلط دولت برای پرداخت یارانه ها که بگذریم به مشکل اساسی تری میرسیم و آن اینکه این مبالغ در مقابل افزایش هنگفت بهای کالاهای فوق اساسی نه تنها کم بلکه بسیار ناچیز و فرومایه است. افزایش چندین برابری بهای روغن، شیر، مرغ، تخم مرغ و به تبع آنها بسیاری دیگر از اقلام خوراکی (اگر نگوییم همه) از جمله هرآنچه که با روغن طبخ میشود نظیر غذاهای فست فودی و ساندویچی ها تهیه غذاها و رستورانها، تمام شیرینی جات، تمام فرآورده های لبنی همچون: ماست، پنیر و دوغ و بسیاری دیگر از کالاها خواهد شد. همین موضوع سبب شد در نخستین ساعات اعلام خیر گرانی اجناس اعلام شده شاهد هجوم بی امان مردم به فروشگاه ها برای خرید کالا باشیم تا بار دیگر صحنه هایی از قحطی بزرگ در جنگ جهانی برایمان تداعی شود. ساعات بعدی نیز با صف آرایی مردم در مقابل مرغ فروشی ها و فروشگاه های زنجیره ای گذشت تا شاید بتوانند چند قلم از



## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در همبستگی با آبادان و خیزش سراسری

برجی که در دوم خردادماه ۱۴۰۱ در آبادان فرو ریخت و ده‌ها نفر جان‌باخته و زخمی برجای گذاشت، نماد حکومتی برآمده از سرکوب و فساد و جنایت بود. قربانیان فاجعه مردمانی بودند و هستند که از همان روزهای نخست به قدرت رسیدن حکومت اسلامی جز فقر و فلاکت و دشواری‌های مختلف اجتماعی چیزی نسب شان نشده و با گلوله، آتش‌بار، آوار و آوارگی و جنگ داخلی و نیابتی به استعمار و فلاکت نشانیده شدند.

فرو ریختن برج حکومتی متروپل در آبادان، مجرای برای فوران خشم بی‌پایان و نفرت عمیق مردم از بنیان وضع موجود به وجود آورد و خیزش جاری را به رویارویی مستقیم با ماشین سرکوب حکومتی کشانید. فاجعه سینما رکس در تابستان ۵۷ در آبادان، کشتارهای سال ۱۳۵۸ در خرمشهر و اهواز و مسجد سلیمان و... و جنگ ۸ ساله و سرکوب خیزش برای آب و علیه تشنگی در تابستان ۱۴۰۰ تاکنون همه جنایاتی بوده و هستند که در حافظه تاریخی و آگاهی توده‌های به پا خاسته، به‌ویژه در خوزستان ماندگار هستند. این جنایت‌های زنجیره‌ای از طبقه حاکم و حکومتی مشروعیت گرفته و می‌گیرند که فساد نهادینه یکی از مشخصات آن است.

طبقه حاکم ایران در ۴۳ سال گذشته، دسترنج کارگران و تمامی زحمتکشانشان را به غارت برده و جان و هستی و نیروی کار طبقه کارگر و تهی‌دستان را درو کرده است. این حکومت، با ربودن نان شب و آب و هستی جامعه، چیزی جز فلاکت، حاشیه‌نشینی، قبر خوابی، بیماری، گسترش اعتیاد، ویرانی، مرگ، قتل‌عام، آوارگی، ناامنی اجتماعی، تروریسم دولتی و جنگ‌افروزی و فساد و... نیافریده است.

فرو ریزی برج متروپل گوشه‌ای از فساد و رانت‌خواری نهادینه‌شده در جمهوری اسلامی را برملا کرد و بیانگر ماهیت مناسبات اقتصادی و سیاسی سرمایه‌داری حاکم بر ایران بود و بار دیگر نشان داد که برای صاحبان قدرت و ثروت جان و زندگی انسان‌ها در برابر سود و رانت‌های بادآورده ارزش ندارد. از همین روی این واقعه با اعتراض توده‌های به‌جان‌آمده مردم آبادان مواجه شد و متعاقباً کارگران و تهیدستان به پیشتازی زنان در اکثر نقاط ایران با آبادان و خوزستان، همبستگی نشان دادند. در این فاجعه، نه تنها کارگزاران فاسد و پاسدارانی در نقش شهردار و استاندار و امام‌جمعه و عبدالباقی‌های وابسته شریک جرم و جنایت هستند، بلکه خامنه‌ای و دیگر رهبران درجه اول مناسبات طبقاتی حاکم، مجرمینی هستند که مسئولیت فجایع تاریخی حکومت اسلامی را به عهده داشته و دارند.

پیوند خیزش سراسری اردیبهشت و همبستگی با خوزستان، حکومت را درمانده ساخته است. در این خیزش‌ها توده‌های بپا خاسته ترسی از نیروهای سرکوبگر رژیم ندارند. موج همبستگی، همدردی و همراهی شهرها با همدیگر هرروز بیشتر می‌شود. شعارها بیش از گذشته موجودیت رژیم را نفی کرده است. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، گرفتار در گرداب بحران‌های اقتصادی و سیاسی، اکنون به بن‌بست و هراس افتاده و با خیزشی مهارناپذیر و سراسری دست‌به‌گریبان است. خیزش دی‌ماه ۹۶ و آبان‌ماه ۹۸ و تابستان ۱۴۰۰ و اردیبهشت ۱۴۰۱ که شکوهمندانه همچنان جاری است، با شعارهای رادیکال‌عینیت یک مبارزه طبقاتی را در پیش روی می‌گذارند. این خیزش خاموشی‌ناپذیر و همبستگی سراسری که به سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی، رویکرد دارد، با یک اعتصاب سراسری نیروی کار و با همبستگی تهیدستان شهر و روستا و تنها با سازمان‌یابی جنبش کارگری و رهبری آگاه‌مندان طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی است که پیروزی دولتی کارگری شورایی را تضمین می‌کند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، طبقه کارگر و همه اقشار محروم جامعه را به گسترش این اعتراضات و دخالت مؤثر در این تحولات فرامی‌خواند.

**سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ، حزب کمونیست  
ایران ، حزب کمونیست کارگری – حکمتیست ،  
سازمان راه کارگر ، سازمان فدائیان ( اقلیت ) و  
هسته اقلیت**

زنده‌باد همبستگی و اتحاد انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشانشان ایران  
سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی  
زنده‌باد آزادی، زنده‌باد سوسیالیسم  
دوم ژوئن ۲۰۲۲ برابر با دوازده خرداد ۱۴۰۱

## به یاد شاعر انقلابی سعید سلطانیپور

جاودانه شد. همانطور که سرود:

تو بر آنی که مرا پستی نیست  
من بر آنم که دماوندم هست

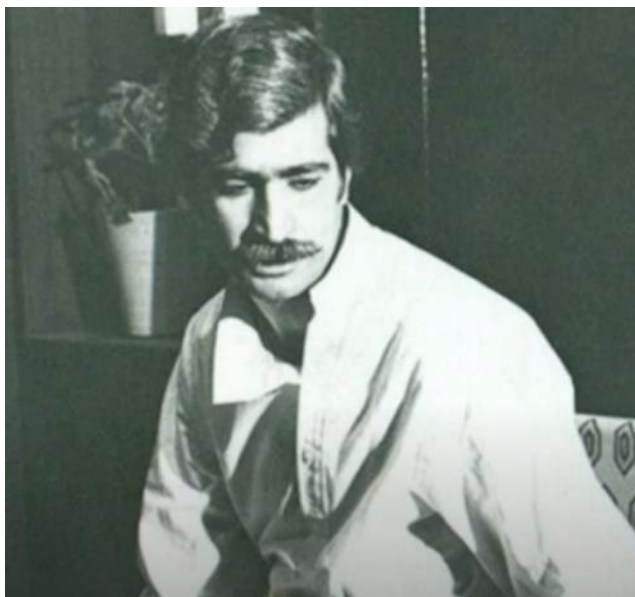
امروز ترنم اشعار سعید به همراه یاد زندگی پربار و مقاومت جانانه او در برابر تیر و درفش مافیای قدرت و ثروت حاکم، راهنما و روحیه بخش تمام مبارزین را آزادی و سوسیالیسم است و حقیقتاً سخن اش آذری است گرما بخش دل انقلابیون و تلاشگران راه آزادی و سعادت و بهروزی انسان .

آن دلاور که قفس با گل خون میآراست

لبش آتشزنه آمد، سخنش آذر شد  
آتش سینه ی سوزان نوآراستگان  
تاول تجربه آورد، تب باور شد  
وه که آن دلبر دلباخته، آن فتنه ی سرخ  
رهروان را ره شبگیر زد و رهبر شد  
شاخه ی عشق که در باغ زمستان میسوخت  
آتش قهقهه در گل زد و بارآور شد

سعید یک فدائی کمونیست بود و به آزادی نوع بشر از یوغ ستم و استثمار و زور و سرکوب نظام سرمایه میاندیشید و برایش مبارزه میکرد و تا آخرین لحظه حیات اش به این آرمانهای انسانی وفادار ماند. ما فدائیان کمونیست ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شاعر انقلاب، رفیق عزیزمان سعید سلطانیپور، باردیگر پیمان میبندیم که به آرمانهایی که رهائی توده های عظیم کار و زحمت و رهائی انسان از بند سرمایه را هدف دارند و سعید در دفاع از آنها جان اش را فدا کرد، وفادار مانده و برای تحقق آنها از پزای نشینیم.

یدی شیشوانی ۳۱ خرداد ۱۳۹۶



مصاحبه های کذائی بر زبان راند. اما هیئات که با دلاوری از سنگر طبقه کارگر و زحمتکشان و محرومان جامعه روبرو بودند. محرومانی که خود وی شرایط استثمار و زندگی طاقت فرسای آنها را زندان و شکنجه گاه بزرگی میدانست .

این بامهای کوچک توفان  
آهنگ پیشگوئی توفان ناگهان  
در بندهای سرد قزل قلعه و اوین و حصار  
زندانیان خسته ی این خاک نیستیم  
زندانیان خسته ی این خاک دیگرند  
زندانیان خسته ی این خاک  
در بند کارخانه و کار ستمگرند  
انبوه سرخ رنجبران اینجا  
زندانیان خسته ی زندان کشورند

زندانیانی که آزادی با آزادی آنها و آزادی آنها با رهائی از ستم و استثمار ممکن است. و سعید سرانجام بایستادن در برابر جوخه تیرباران، داغ شکستن اش را بر دل مستبدین و سرکوبگران حاکم گذاشت و زندگی اش در مبارزات طبقه کارگر، زحمتکشان، جوانان، دانشجویان و زنان

۳۱ خرداد امسال برابر است با چهل و یکمین سالگرد تیرباران فدائی کمونیست و هنرمند انقلابی و شاعر کارگران و زحمتکشان رفیق سعید سلطانیپور. چهل و یک سال قبل در چنین روزی قلب گرم و مهربان سعید، اماج تیره های کینه توزانه طبقه حاکم و سران مرتجع جمهوری اسلامی قرار گرفت. به همین مناسبت وبه گرامیداشت یاد و خاطره رفیق سعید سلطانیپور به درج بخشی از نوشته رفیق یدی شیشوانی مبادرت میکنیم که در سی و پنجمین سالگرد بخون تپیدن سعید نوشته شده است .

سعید که در عمر کوتاه خود لحظه ای از مبارزه علیه ارتجاع، خودکامگی و لحظه ای از تلاش برای آزادی و بهروزی توده های زحمتکش مردم غافل نشد، در یکی از بهترین لحظات زندگی اش، در شب عروسی اش، از کنار عروس و رفیق زندگی اش، مادر، خواهر و خانواده و مهمانهایش روده شد. در فاصله دستگیری و اعدام تحت شدید ترین شکنجه ها قرار گرفت، انواع و اقسام روشهای جنایتکارانه و شکنجه های جسمی و روحی برای شکستن مقاومت وی آزمایش شد تا بلکه لب بگشاید و آنچه جلادان بر تخت نشسته، دیکته میکنند در

## تسلیت بمناسبت درگذشت عارف-علی پاینده



باکمل تاسف مطلع شدیم که رفیق علی پاینده یکی از فعالین پرسابقه جنبش چپ و سوسیالیستی ایران، در صبح روز جمعه ۲۷ خرداد چشم از جهان فرو بسته است.

عارف (علی) پاینده از فعالین چپ و سوسیالیست دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی بود او از نوجوانی در محافل کارگری و دانشجویی فعال بود. سال های طولانی در زندانهای رژیم شاه و جمهوری اسلامی سپری کرد. علی در میان فعالین سازمانهای سیاسی و انقلابی و نیز در بین زحمتکشان نامی آشنا و طرف مراجعه و قابل اعتماد محسوب می شد. مهربانی و گذشت و یاری رسانی به کسانی که احساس می کرد احتیاج به کمک و یاری دارند و نیز پایبندی به آرمان سوسیالیسم از خصوصیات بارز و شناخته شده او بود. علی خاطرات و یادمانده های خود را همچون بخشی از تاریخ جنبش چپ در کتابی تحت عنوان "آنچه بر من گذشت" منتشر کرده است.

ما درگذشت علی پاینده را به بازماندگان و نیز دوستان و رفقای وی صمیمانه تسلیت میگوئیم.

یاداش گرامی باد

روابط عمومی سازمان اتحادفدائیان کمونیست

بیست و هشتم خرداد ۱۴۰۱

نشریه سیاسی و تحلیلی  
کار کمونیستی علاوه بر انعکاس  
مواضع، نظرات و تحلیل های  
سازمان، انعکاس دهنده مسائل  
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و  
فرهنگی و تاریخی از منظر دیدگاه  
های مختلف نیز هست. تحریریه  
نشریه از میان مطالب رسیده انتشار  
مطالبی را انتخاب و در انجمن  
قرار خواهد داد که مستقیماً برای  
این نشریه ارسال شده باشند لذا  
انتظار داریم انعکاس این مطالب  
در سایر نشریات و سایت ها با ذکر  
منبع و نام نویسنده صورت گیرد.  
از طریق ایمیل آدرس زیر  
نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود  
را با در میان بگذارید.

[kar@fedayi.org](mailto:kar@fedayi.org)

کار کمونیستی آخر هرماه زیر نظر  
هیئت سیاسی سازمان اتحاد فداییان  
کمونیست منتشر می شود.  
برای تماس با سازمان اتحاد فداییان  
کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از  
آدرسهای زیر تماس بگیرید:

روابط عمومی

[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)

کمیته کردستان

[Kurdistan@fedayi.org](mailto:Kurdistan@fedayi.org)

کمیته آذربایجان

[azer@fedayi.org](mailto:azer@fedayi.org)

کمیته تهران

[Tehran@fedayi.org](mailto:Tehran@fedayi.org)

کمیته کرج

[karj@fedayi.org](mailto:karj@fedayi.org)

**کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدراتیو شورانی !**